

نگاهی کوتاه به فعالیتهای مدارس تعلیمات دینی در آبادان

(تاریخچه مدارس سه گانه مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود سنابادی عزیز، وفات ۱۳۷۸ش)

نوشته نورالدین حسین سنابادی عزیز^۱

مقدمه

شیوه تدریس و تعلیم و تربیت در مدارس نوین و خارجی در دوره پهلوی، به گونه‌ای بود که با ارزش‌ها و معیارهای اسلامی بسیار فاصله داشت؛ لذا جامعه دینی - فرهنگی ایران، با عنایت به شرایط مساعد پس از شهریور ۱۳۲۰ به جهت ارائه روش‌های اسلامی تعلیم و تربیت و به نیت اشاعه فرهنگ دینی، اقدام به تأسیس نهادهای آموزشی به نام مدارس اسلامی نمود. تعداد این مدارس، با وجود فشارهای سیاسی تا پیروزی انقلاب اسلامی، به بیش از ۱۸۰ عدد می‌رسید. این نهادهای فرهنگی با ترویج مذهب و تربیت اسلامی، نسلی مجهز به معارف دینی و علوم جدید، زمینه‌های پیدایش انقلاب اسلامی را فراهم کردند. در این مقاله به گونه تاریخ شفاهی، به بررسی وضعیت مدارس تعلیمات دینی در آبادان پرداخته می‌شود.

آیت‌الله حاج شیخ محمود سنابادی عزیز(ره) از جمله روحانیان بیداری بود که با اقدام به تأسیس نهادهای آموزشی به نام مدارس تعلیمات دینی در آبادان، خواب شیرین را در چشمان غرب‌زدگان تلخ کرد. او در مشهد به دنیا آمد و پس از گذراندن مقطع دبیرستان، تا پایان سیکل در سال ۱۳۲۰ با وقایع شهریور آن سال مواجه گردید. از آنجایی که به تحصیل علاقه‌مند بود، به محض اینکه در سال ۱۳۲۱ مدرسه نواب

۱. کارشناس مصاحبه تاریخ شفاهی.

نگاهی کوتاه به فعالیت‌های مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز

(بهترین مدرسه علمیه مشهد در آن زمان) مجدداً در اختیار جامعه روحانیت قرار گرفت؛ وارد آن مدرسه شد و در کنار آیت الله العظمی آقای حاج سیدعلی سیستانی - مدظله العالی - و دیگر آیات عظام، به تحصیل مشغول شد. پس از گذراندن دوره سطح (مشهد آن زمان قطب ادبیات حوزه‌های علمیه در جهان شیعه بود) به عراق رفت و درس و بحث اساتید بی‌بدیل زمان خود مانند آیت الله العظمی خوبی، شاهرودی، شیرازی، اصطهباناتی و ... را درک کرد.

آیت‌الله سنابادی، سفرهای تبلیغی بسیاری در سراسر ایران انجام داد؛ این مسافرت‌ها سبب شد تا با اوضاع آموزش و پرورش در جای جای ایران آشنا شود و آنها را بررسی کند. او در آخرین سفر تبلیغی‌اش به آبادان، با استقبال مردم شهر مواجه شد و در پی تقاضای مردم و دستور حضرت آیت‌الله العظمی اصطهباناتی، رحل اقامت در آن شهر افکند. دیری نپائید که در سال ۱۳۴۳ اولین دبستان پسرانه را به نام دبستان ملی نور دانش تأسیس کرد (تصویر شماره یک و دو). شکل تعلیم و تربیت در آن دبستان، برخلاف سایر مدارس، کاملاً مطابق با تعلیمات اسلام بود. برنامه صبحگاهی را با اجرای تلاوت قرآن و دقایقی توصیه‌های دینی آغاز می‌کردند. هر روز نماز جماعت در دبستان برگزار می‌شد (تصاویر شماره ۳ و چهار) و روزی یک ساعت (یک زنگ کلاسی) اختصاص به تدریس تعلیمات دینی داشت. آموزگاران دبستان، همگی دارای وجهت اسلامی بودند و برای درس تعلیمات دینی که فوق برنامه بود، از افراد روحانی، متدین و باسواد بهره‌مند بودند (تصویر شماره پنج). حقیر نیز به دلیل اینکه فرزند ارشد مؤسس دبستان بودم، از چهار سالگی به همان مدرسه می‌رفتم (تصویر شماره شش) و طبعاً در برنامه‌های دینی، به‌ویژه نماز جماعت، نقش مکبر (تصویر شماره هفت) و به عنوان الگو در مشق‌های دینی، ایفای نقش می‌کردم. مرحوم والد به لحاظ فشارهایی که رژیم ستم‌شاهی از طریق آموزش و پرورش بر او وارد می‌نمود، برنامه‌های اعلام شده نظام آموزشی رژیم را اجرا می‌کرد تا بهانه‌ای برای تعطیلی، به‌دست بازرسان - که گاه سر زده به مدرسه می‌آمدند - ندهد. با این حال در کنار تدریس نظام آموزشی رسمی، برنامه‌های فوق العاده دینی و تعلیم آموزه‌های اسلامی با قوت ادامه داشت. به یاد می‌آورم که تحت فشارهای رژیم، مجبور شد از نظام پیشاهنگی در مدرسه جلوگیری کند. برای اینکه از سیستم آموزشی نظام پیشاهنگی آگاه باشد، حقیر را نیز به پیشاهنگی فرستاد (تصاویر شماره هشت و نه) و هر از گاهی که به اردوهای پیشاهنگی می‌رفتم، گزارش آن را از بنده مطالبه می‌کرد.

دانش آموختگان این مدرسه - که هدف آن شکل‌دهی شخصیت کودکان در همان دوره‌های ابتدایی بود - بعدها جزء انقلابیونی شدند که سال‌های جوانی‌شان را در زندان‌های سیاسی سپری کردند. آشنایی برخی از این دانش آموختگان از جمله سیداحمد سیدیان هاشمی و برادرش سیدعبدالله^۱ با امام خمینی (ره) و اهداف

۱. سیداحمد و سیدعبدالله سیدیان هاشمی، فرزندان حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سید محمدسیدیان هاشمی هستند که روحانی مبارز و نماینده فدائیان اسلام در آبادان بود. این دو برادر همراه مرحوم محمد نصراللهی (نماینده مردم آبادان در دوره اول مجلس شورای اسلامی) و چهار نفر دیگر، در پی فعالیت‌های انقلابی و هنگام تهیه اسلحه، دستگیر می‌شوند. سیدعبدالله سیدیان هاشمی پنج سال، محمد نصراللهی سه سال و سیداحمد سیدیان هاشمی

بلندش از اینجا شروع شد که در دفتر مدیر مدرسه، تصویر حاج آقا روح الله نصب بود. برای همین عکس، چندین بار آقای سنابادی به شهربانی و کلانتری پنج فراخوانده شد (یادداشت‌های دکتر کریمی). البته چون آقای سنابادی روحانی بزرگی بود، نمی‌توانستند مزاحمتی ایجاد کرده و به راحتی عکس را از دفتر مدرسه بیرون ببرند. اندک زمانی از تأسیس این مدرسه نگذشته بود که مردم متدین با اهداف ارزشی آن آشنا شدند و استقبال مردم به گونه‌ای بود که در سال‌های بعد برای پذیرش دانش‌آموز، ناچار به انجام مصاحبه و گرفتن سوابق خانوادگی آنان شدند. شایان ذکر است که در مناسبت‌های ویژه اسلامی، در مدرسه، جشن و سرور برقرار بود و با برگزاری تئاتر و برنامه‌های متنوع، از جمله توزیع شعارهای چاپ شده از طرف دبستان متناسب با همان روز در سطح شهر به وسیله ما، دانش‌آموزانمان را در این جشن سهیم می‌کردند تا به حکم مَثَل «...کالغش فی الحجر»، در ذهن بچه‌ها، این مناسبت‌ها حک شود.

ناگفته پیداست که در کنار استقبال افراد متدین از این مدارس و لزوم پرورش انسان‌های آشنا با معارف اسلامی، مؤسس محترم اقدام به تأسیس آزمایشگاه در مدرسه نمود. این حرکت در زمان خود و برای مقطع ابتدایی، شاید بی‌نظیر بود. ایشان با ارتباطات وسیعی که داشت، از پزشکان مسلمان و متعهد که بعضاً فرزندانشان در مدرسه تحصیل می‌کردند، برای معاینات پزشکی دانش‌آموزان استفاده می‌کرد. این ابتکار در پی دغدغه‌های مشارالیه از وضع نابسامان بهداشت دانش‌آموزان انجام گرفت. در آن زمان بیماری‌های قارچی ناشی از حمام‌های عمومی، محیط‌های غیر بهداشتی و کاهش سطح اطلاعات بهداشتی مردم، بسیار شایع بود. همچنین بیماری چشمی به نام «تراخم» فراگیر شده بود؛ از این رو معاینات دوره‌ای چشم، سر و ناخن دانش‌آموزان، در روز اول هر هفته و سر صف، سبب می‌شد تا از رفتن دانش‌آموزان بیمار به کلاس جلوگیری به عمل آید و بدون تأیید پزشک، حق حضور در کلاس را نداشتند. در اینجا جا دارد از پزشک متعهد، مرحوم شهید دکتر احمد صادقیان نام ببرم که بار این مسئولیت را فی سبیل الله به دوش می‌کشید. آقای سنابادی دو سال بعد، در سال تحصیلی ۱۳۴۵ با تجارب کسب شده بنا به تفکرات والایی که در مورد نقش زن در جامعه داشت، همچنین اظهار علاقه متدینین در تأسیس فضای آموزشی متناسب برای بانوان مذهبی و مشابه دبستان نور دانش (یادداشت‌های دکتر کریمی)، اقدام به تأسیس دبستان دخترانه شهربانو نمود (سند شماره یک). مدیر آن آموزشگاه، روحانی روشندلی بود که دوره دکترای خود را در رشته فلسفه و در دانشگاه تهران دنبال می‌کرد. حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر شیخ احمد علی کریمی (تصویر شماره ده) دروس حوزوی را نزد مرحوم والد تلمذ نمود. مشارالیه پس از اخذ درجه دکترا، با توانایی‌های بالای خود، وضعیت دبستان را ارتقاء بخشید. دایر نمودن کلاس‌های شبانه نهضت مبارزه با بی‌سوادی برای بانوان خانه‌دار، با رعایت حجاب کامل اسلامی و عدم استقبال از نظام پیشاهنگی در مدرسه، از نتایج حضور جناب آقای دکتر کریمی با هم‌فکری و هماهنگی مرحوم والد بود. باید توجه داشت که تبلیغات وسیع رسانه‌ای رژیم پهلوی با تمامی ابزارهای موجود، برای شرکت دانش‌آموزان در سازمان

یک‌سال، در اوین زندانی سیاسی بودند.

پیشاهنگی و تأثیر آن در پسران به دلیل آشنا شدن آنها با خدمت نظام وظیفه سربازی عمیق بود و مهم‌تر از آن، وجود دختر و پسر در یک محیط و به دور از کنترل خانواده‌ها، تأثیر خوبی همراه نداشت. آقای دکتر کریمی و مرحوم والد، با سخنرانی‌های بسیار و گفتگو با اولیاء دانش‌آموزان، توانستند از ثبت‌نام دختران جلوگیری به عمل آورند. حتی یک نفر فرم مخصوص عضویت را تکمیل نکرد و هیچ کدام از اولیاء، رضایت‌نامه ویژه این کار را که میان دانش‌آموزان با فشار ساواک توزیع شده بود، امضاء نکردند. در صورتی که دانش‌آموزان پسر به لحاظ روانشناسی که از کودکی با اسلحه بازی می‌کرده‌اند، این استعداد را داشتند که به پدران خود برای عضویت، فشار آورند؛ از این رو دبستان نور دانش و دبیرستان انصاری، عضو سازمان پیشاهنگی بودند، ولی دبستان شهربانو به دلیل عدم وجود حتی یک عضو، هیچ‌گاه عضویت را نپذیرفت. سال‌های تأسیس این مدارس، مصادف با تبعید آیت الله شهید سعیدی و مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری در آبادان بود که با خانواده محترم خود، تمام دوران تبعید را در منزل کوچک ما به سر می‌بردند.^۱ حضور آن شهید گرامی در مدارس، بسته به موقعیت، مناسبت و سخنرانی برای دانش‌آموزان، از یک طرف تأثیر بسزائی بر دانش‌آموزان داشت و از طرف دیگر، هم‌فکری و رایزنی با مرحوم والد در بهبود کیفیت و ارتقای سطح دانش و معلومات دینی دانش‌آموزان بسیار مؤثر بود. اما مرحوم اسلامی که شهرتش هم راستا با تأسیس مدارس تعلیمات اسلامی است، وقتی از نزدیک با فعالیت‌های پدر و تنی چند از روحانیان آبادان^۲ که چنین مدارسی را هر کس به سلیقه خود تأسیس کرده بود، آشنا گردید، ابراز خشنودی نمود از این که بدون هماهنگی و به صورت خود جوش در بعضی از شهرهای ایران، از جمله آبادان، این اقدامات صورت گرفته است؛^۳ لذا از پدر دعوت نمود که در زنجیره مدارس تعلیمات اسلامی قرار گیرد. پدر با جوابی این‌گونه، از مشارکت یا سرپرستی آن امتناع ورزید: «تابلوی سردر مدارس شما (تعلیمات اسلامی) نشان دهنده خط و مشی شماسست. هر کس با اولین نگاه و اندیشه، پی به برنامه‌های شما می‌برد. طبعاً کسانی به مدارس تحت سرپرستی شما روی می‌آورند که عرق مذهبی و مسلمانی دارند، اما در مدارس ما با توجه

۱. خانه‌ای به مساحت ۱۰۰ متر مربع با دو اتاق خواب و یک مهمان‌خانه که بیرونی نامیده می‌شد و محل نشست و برخاست پدر بود. در این اتاق، اجتماع آقایان و حضرات صورت می‌گرفت و در واقع به عنوان کتابخانه نیز استفاده می‌شد. شهید سعیدی با خانواده‌اش در یک اتاق و خانواده ما که ده نفر بودیم، در اتاق دیگر زندگی می‌کردیم. زندگی ما در دوران تبعید حاج شیخ عباسعلی اسلامی نیز به همین نحو بود.

۲. مدرسه و دارالایتام استقامت (آیت‌الله حاج شیخ عبدالرسول قائمی، رئیس حوزه علمیه آبادان) و مدرسه سلطانی (حجت الاسلام والمسلمین سیدحسین علوی سلطانی).

۳. بعد از اقامت در مشهد مقدس، متوجه فعالیت عالی و گسترده مرحوم عابدزاده شدم. مدارس تعلیمات اسلامی با وجود فعالیت ده‌ها روحانی در سراسر ایران، تنها به نام حاج شیخ عباسعلی اسلامی سبزواری شهرت گرفت، زیرا مشارالیه در مرکز ایران فعالیت داشت و به یقین امکانات بسیار زیادی داشت. بنده در یکی از مراسم مدارس مشارالیه شرکت کرده‌ام. امکانات تهران با آبادان در ۴۵ سال پیش، غیر قابل مقایسه بود. پدر بدون داشتن حامی و امکانات، با چنگ و دندان این آموزشگاه‌ها را اداره می‌کرد. از قول والدهام نقل می‌کنم که پدرت هر چه داشت، در این مدارس گذاشت.

به جو (آن زمان) آبادان و فضای شرکت نفت که اغلب کارکنان، بوی حزب توده به مشامشان خورده بود و حتی تفکرات کسروی و دیگر فرق انحرافی که فعالیت شدید و قوی داشتند، بدون آنکه با ذکر واژه تعلیمات اسلامی در تابلوی سر در، خط مشی خود را اعلام نماییم، فضای بسیار خوبی را آماده کرده‌ایم که سبب جلب همه نوع دانش‌آموز با انواع تفکرات خانوادگی می‌شود. حال با استفاده از کادر آموزشی مجرب متدین، دانش‌آموز را با اصول متعالی اسلام آشنا می‌کنیم.»

باید یادآور شوم که تنی چند از همکلاسی‌های حقیر که واجد این شرایط خانوادگی بودند، با من به مسجد پدر می‌آمدند و بعدها جزء نمازگزاران مسجد شدند.

این تفکر زمانی به اوج خود رسید که پدر اقدام به تأسیس دبیرستانی به نام *انصاری* نمود؛ دبیرستانی که در اوج شهرت آبادان به غرب زدگی، دارای مسجد و آمفی تئاتر بود. اهداف آموزشی، همان بود که پدر در دو تجربه قبلی دنبال می‌کرد، به خصوص برنامه بامدادی با قرائت قرآن در صبح‌بندی اول صبح و اقامه نماز جماعت در مسجد به هنگام ظهر و پایان وقت اداری صبح صورت می‌گرفت. نکته قابل ذکر در این دبیرستان که بعدها (با آمدن مقطع راهنمایی و تغییر نظام قبلی) به راهنمایی و دبیرستان تغییر یافت. در آن آموزشگاه، دانش‌آموزانی درس می‌خواندند که از اقلیت‌های مذهبی، حتی بهایی بودند که انرژی زیادی برای تبلیغ یا تربیت آنها صرف می‌شد. نظرتان را به مصاحبه و دست نوشته جناب آقای دکتر سردار شهبایی (مدرس دانشگاه‌های دولتی و آزاد استان خوزستان) مدیر محترم دبیرستان جلب می‌کنم:

«هر چه ساواک تلاش می‌کرد این دبیرستان را از جلوه بیندازد (سند شماره ۱) و از مقام دومی در جمع دبیرستان‌های آبادان تنزل دهد، نتوانست، چرا که تدبیر مؤسسان، مدیر و دبیران، تمام ترفندهای ساواک را نه تنها خنثی می‌کرد، بلکه با اتفاقاتی که می‌افتاد، ذهن محصلان به مسائل روز سیاسی و دینی، روشن می‌شد. دستگیری آقای رشیدیان^۲، دبیر ادبیات توسط ساواک در چند نوبت و در دوران تدریس، سبب شد تا دانش‌آموزان جریان را دنبال کنند. از طرفی عدم ارسال تعمدی دبیر برای آن ساعت از درس که تعلق به رشیدیان داشت، این سؤال را به ذهن‌ها متبادر می‌کرد که چه شده است؟ بعضی از دبیرها در کلاس‌های دیگر، موضوع را به اشکال مختلف بازگو می‌کردند که «به شما ارتباطی ندارد که چرا او دستگیر شده است! شما به درس و زندگی خود بپردازید، به زودی دبیر دیگری جایگزین خواهد شد». گاهی پدر، خود سرکلاس بی‌دبیر حاضر می‌شد تا جریان پر رنگ‌تر شود. رشیدیان خود بعد از سپری شدن دوران بازداشت، با وجود

۱. پدرم مجوز تأسیس دبیرستان را گرفت، در زمینی به مساحت دو هزار متر مربع؛ سپس از چهار نفر از علمای آبادان دعوت به همکاری نمود. آنها عبارت بودند از: سید حسین مکی، سید محمد برهانی، محمد تقی مصدرالامور و سید محمد سیدیان هاشمی - اعلی‌الله مقامهما الشریف - . مرحوم سیدیان هاشمی قبل از راه اندازی دبیرستان کناره‌گیری کرد. مابقی شرکا دبیرستان را وقف نمودند (سند شماره چهار) و تولیت آن را به فرزندان ارشد ذکور (در صورت روحانی بودن، اولویت با اوست) واگذار کردند. الحال هیچ کدام از شرکا در قید حیات نیستند.

۲. رشیدیان، دبیر ادبیات دبیرستان انصاری بود. با وجود فشار ساواک، هیچ‌گاه از تدریس در دبیرستان محروم نگردید. حقیر دوبار دستگیری ایشان را به یاد دارم. نام‌برده چند دوره نماینده مردم آبادان در مجلس شورای اسلامی بود.

نگاهی کوتاه به فعالیت‌های مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز

مخالفت ساواک با سری تراشیده، سرکلاس حاضر می‌شد. حرف و حدیث‌های قبلی را ادامه می‌داد و حتی با ایما و اشاره، جریان بازداشت خود را تعریف می‌کرد».

در حاشیه درس و در تمام فصول، خصوصاً تابستان‌ها و اوقات فراغت، کلاس‌های جبرانی برای دانش‌آموزان تجدیدی، کلاس جهشی برای محصلین تیزهوش و کلاس‌های تقویتی برای سایر دانش‌آموزان برگزار می‌گردید.

توسط برخی از معلمان متدین با برنامه‌های از قبل تنظیم شده و با هدایت مرحوم والد برای دانش‌آموزان هر دو آموزشگاه پسرانه (از جلسات مشابه برای دختران چیزی به خاطر ندارم)، صبح‌های جمعه پس از دعای پرفیض ندبه، هر هفته در منزل یکی از دانش‌آموزان، جلسات تدریس تعلیمات دینی برگزار می‌شد. در آن جلسات که حقیر نیز از نونهالی شرکت می‌کردم، آموزه‌های دینی و اعتقادی آموزش داده می‌شد. هر چه سن و کلاس بالاتر می‌رفت، سطح جلسات افزایش می‌یافت و تا جایی پیش می‌رفت که افراد جلسه را وادار به تفکر می‌کردند تا مسائلی را مطرح کنند که بوی سیاست می‌داد. چرا آقای امیری (یکی از مدرسین دوران ابتدایی و جلسات جمعه‌ها) پس از غیبت یکی دو ماهه، موه‌های سرش را بسیار کوتاه کرده است؟ کجا بوده دوران جوانی بود؟ انتقال این حرف و حدیث‌ها به منزل، برای دریافت جواب یا در میان گذاردن با دیگر دوستان و همشاگردی‌ها، منشأ تفکرات دانش‌آموزان می‌شد.

دبیرستان با داشتن آمفی تئاتری بزرگ که در نوع خود منحصر بود، محل مناسبی برای برگزاری جشن و سرور و مجالس سخنرانی بود، خصوصاً در روز عید غدیر که روز ولایت است، هر ساله نمایشی با هنرمندی و کارگردانی هنرمند مشهور، مرحوم عباس حکمت آرا^۱ پیرامون واقعه غدیر به نمایش گذاشته می‌شد و در پایان، از شاگردان ساعی تشویق به عمل می‌آمد (تصویر شماره یازده). این حرکت در تمام آموزشگاه‌های آبادان، بی‌نظیر بود. مدعوین عموماً از رجال دینی و سیاسی شهر بودند. مرحوم والد اعتقاد داشت دعوت کردن این افراد سبب می‌شود تا در دیگر آموزشگاه‌ها هم این مراسم پا بگیرد، چرا که باید روی اقشار محصل و معلم تأثیر گذاشت تا گروه اول پایه‌های اعتقادی‌شان قوی شود و گروه دوم می‌توانند بهترین مبلّغ باشند. اگر کسی موقعیت سیاسی و اجتماعی آبادان را در آن دوران بداند، متوجه خواهد شد که چه همت والایی لازم بود که کسی از جان و مال خود بگذرد تا دانه‌ای در آن شوره‌زار بکارد که محصولات آن، روزی به پیدایش انقلاب اسلامی مدد رساند و امروز سبب سازندگی میهن اسلامی شود. نام تمام کسانی که در آن ظلمت شمعی افروختند و دست کم به قدر توان خود، برای فرهنگ دینی و اجتماعی این مرز و بوم تلاش کردند، تا قیامت، متبرک باد.

۱. مرحوم عباس حکمت آرا، دبیر ریاضیات در دبیرستان‌های آبادان و همچنین دبیر ما در دبیرستان انصاری بود. ایشان از بازیگران و هنرمندان تئاتر و تلویزیون بودند. حکمت‌آرا دارای عقاید مذهبی محکم بود و به مشی مؤسسان دبیرستان انصاری اعتقاد داشت. مشارالیه تهیه کننده و کارگردان نمایش‌های اعیاد در سالن آمفی تئاتر بود. برخلاف روح لطیف هنری‌اش، معلمی بسیار جدی و خشن بود که همه ما دانش‌آموزان از او می‌ترسیدیم.

نگاهی کوتاه به فعالیت‌های مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز



تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۲

پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

نگاهی کوتاه به فعالیت‌های مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز



تصویر شماره ۳



تصویر شماره ۴

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

نگاهی کوتاه به فعالیتهای مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز



تصویر شماره ۵



تصویر شماره ۶

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

نگاهی کوتاه به فعالیت‌های مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز



تصویر شماره ۷



تصویر شماره ۸

پیام بهارستان / ۲۴، س، ۴، ش، ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

نگاهی کوتاه به فعالیت‌های مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز



تصویر شماره ۹



تصویر شماره ۱۰

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

نگاهی کوتاه به فعالیتهای مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز



تصویر شماره ۱۱



در کنار آیتالله مکارم شیرازی

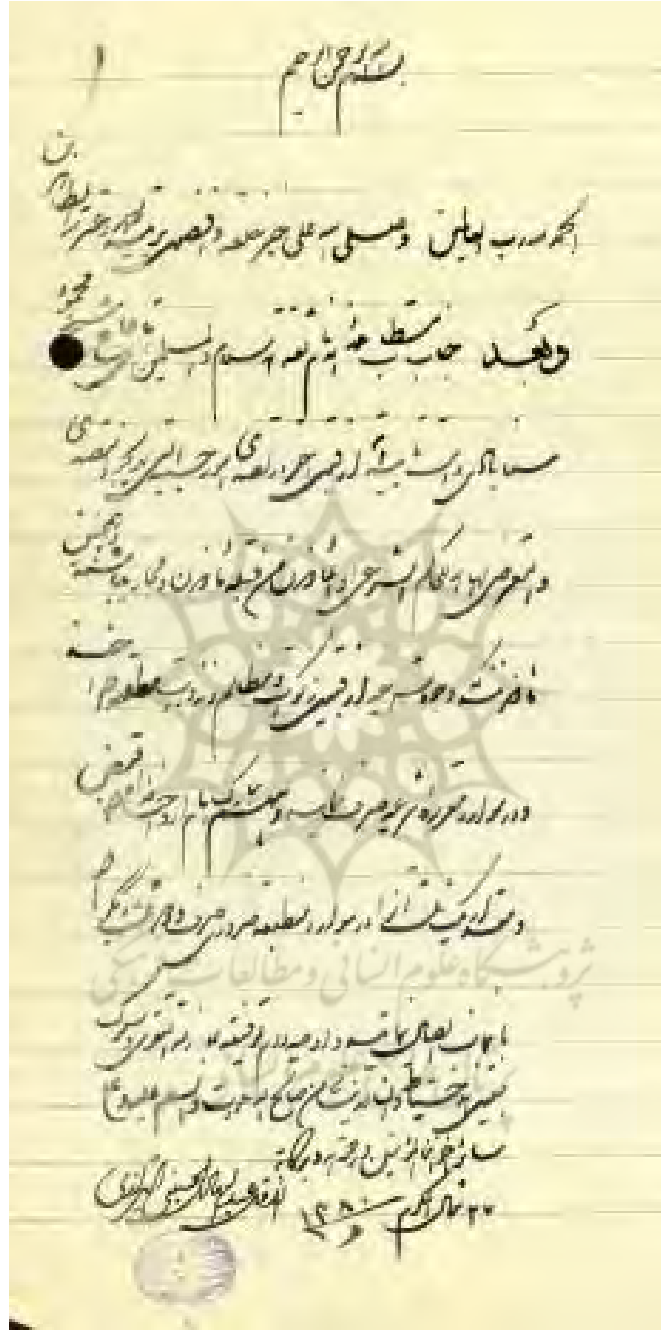
پیام بهارستان / ۲۴، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

نگاهی کوتاه به فعالیت‌های مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز



پیام بهارستان / ۲۵، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

متن اجازه نامه آیت الله مکارم شیرازی به آیت الله سنابادی



اجاز نامه از آیت‌الله سیدعبداله‌ی شیرازی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بَعْدُ الصَّلٰوةِ جَابِطِی تَحْتَ اَسْلَامِ نَبِیِّ حَاجِّ شَیْخِ مُحَمَّدِ سَنَابَادِی
وَمَتَّ فَاَضَاةَ زُرْطَفِی حَقِیْرَ مَجَازِ وَنَاخِرِنَ سَمَشِدَ وَرَقَّةَ کَلِمَةِ مَوَدَّةِ
کِهْ دَر زَمَانِ خَبَرِ اِمَامِ عَلِیِّ سَلَامِ مُنَوِّظِ بَطْرِ حَاکِمِ شَرِیْحِ نُوْرِ مَعْرِیْفَتِ
وَلِاَنْصَرَفَ فِی کَلِمَاتِیْهِ لَقْدِیْ وَنَضَبِ قِیَمِ وَرِیْدِ بَا مَرْغِیْبِ قَفْرِ
غِیْطِ اِنْبَا وَتَصَرَّفِ دَر مَجْهَوْلِ اِلْمَالِکِ اِذْنِ وَتَصَرَّفِ اَنْ وَکَلْمَا
مَجَازِ نَدِ رِجْهِسِ وَرِکْ سَکَرِ وَاَنْ اِهْرَالِ بَا رُیْنِیْنِ وَرِصَالِ مَجْزَلِ
دَر مَوَادِدِ مَقْضِیَّةِ قَفْرِ وَخِزْدِ وَجْهِ شَرِیْحَةِ بَابِیْتِ رِوْضِ اَلْمَجَادِ
وَمَحْضِ مِیْرَالِ اِمَامِ عَلِیِّ سَلَامِ وَصَرَفِ اِنْبَا رِوْضِ مَوَادِدِ لَازِمِ
مُخَوِّصِ اِلْمَجَالِ مَجَازِ رِوْضِ زَا اَهْلِ عِلْمِ وَوَسَادَاتِ وَعِلْمِیَاتِ فُقَرَا
رُیْنِیْنِ وَرِجْهِسِ اِلْمَجَالِ مَجَازِ مَقْدَمِ عَلِیِّ قِیَمِ وَرِوْضِ سَلَامِ
کَلِمَاتِ اِلْمَجَالِ اِسْمِیَّةِ عَلْمِ زُرْطَفِی وَرِوْضِ اِلْمَجَالِ فِی کُلِّ اَلْمَجَالِ
فَاَرْسِلْ نَهَابَةَ اَلْمَجَازِ اِنْ اَلْاِسْتِشْعَارِ عَنِ حَاکِمِ اَلْمَجَالِ عِنْدَ اَلْمَجَالِ
اَلْاَجَابَاتِ اِمَامِ عَلِیِّ وَرِوْضِ فِی ۲۰ عِلْمِ مَجَازِ سَلَامِ اَلْمَجَالِ
۱۳۸۶

پیام بهارستان / ۲۵، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

اجازه‌نامه از آیت‌الله سیدمحمد کاظم شریعتمداری

نگاهی کوتاه به فعالیت‌های مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز



پیام بهارستان / ۲۵، ۴، ش، ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

مجوز تأسیس دبستان دخترانه شهربانو

۲۰۷۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

سره شمر: ۶۷
 تلاش اسلامی در خرمشهر برای تأسیس مهدی دبستان و دبستان سوادگراست به این کار
 گمراهان ریاست ساراکی استان خوزستان
 فرستاده: ساراکی خرمشهر
 شماره: ۱۵/۱۳۸۵۵/۴۱
 تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۷ [۱۲]

شماره: ۱۵/۱۳۸۵۵/۴۲
 تاریخ: ۱۳۹۲/۱۲/۱۳

نخست‌وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

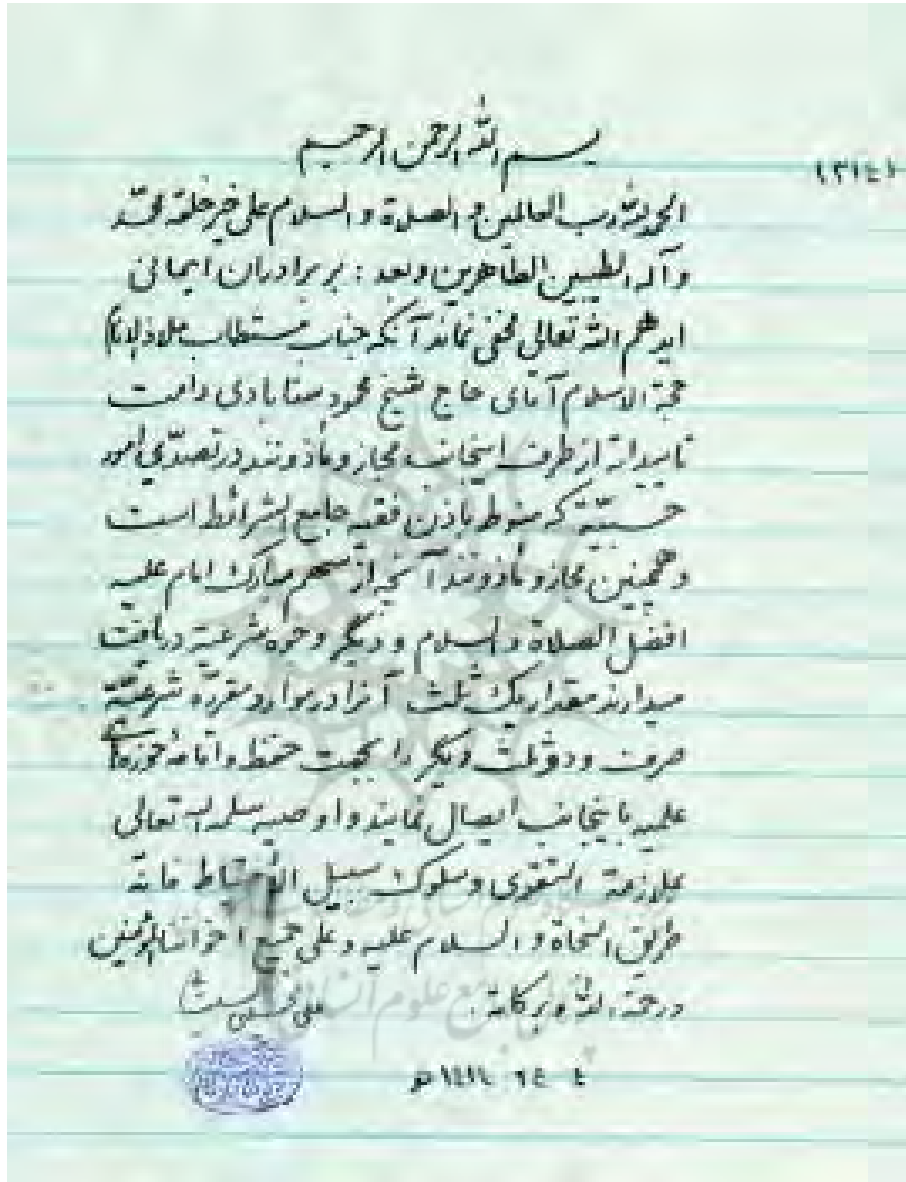
موضوع:.....

در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵ بنا به دعوت قلبی که از طرف هیئت مدیره تعلیمات
 اسلامی شده بود ایجاب نیز در اطاق تجارت حاضر شدم. آقایان تقی‌زاده در این جلسه
 شرکت داشتند و غذای از آقایان و خانم‌ها به شرح زیر حضور داشتند. در این جلسه
 آقای شیخ عباسعلی اسلامی مدت یک ساعت و یک ربع دربارۀ فرهنگ ساختن مدارس
 کردند، و اینکه دولت نمی‌تواند به علت کمبود مدارس جدیدی تأسیس نماید و
 اینکه به ما از طرف دولت اجازه داده شده در تمام کشور، گورکستان و دیستان و
 دیستان تأسیس نشایم. در آبادان هم تأسیس شده. در خرمشهر هم شروع نموده‌ام و
 باید کمک و اقدامی شود که بچه‌های خود را خودمان تربیت کنیم. بلکه بتوان از این
 طریق از ریش افغانان به کارها و تسامحات لایم‌های زننده و سایر فقرجاتی که باعث
 تخریب دینی می‌باشند جلوگیری شود.
 از آبادان آقایان ستاآزاده، برعاش، سیدجواد خرم‌آبادی و آقای سیدعبدالمعلی
 واحدی از قم و از خرمشهر آقایان سید عدنان، سید سلیمان خاقانی، سید حسن
 املازاده، شریعت خادمی، شیخ محمدطاهر شیرینی، شیخ علی شیرینی، سید
 محمد تقی موسوی، سید عباس عاشقی، شیخ جمال‌الدین شریفی، شیخ عبدالله امام

جماعت مسجد خرمشهر و شیخ عباسعلی اسلامی و سر کویچکنی،
 نظریه: منظور از تفکیک و دریافت وجه از این جلسات، تشکیل و تأسیس مدارس
 دینی است که تصور می‌رود برای اجرای منظورهای خودشان می‌باشد، نه از لحاظ
 کمک به فرهنگ، و چنانچه اجازه داده نشود که نظر آقایان علماء به صورت عملی
 درآید، به صلاح خواهد بود. (۱)

رئیس ساراکی خرمشهر: مهران

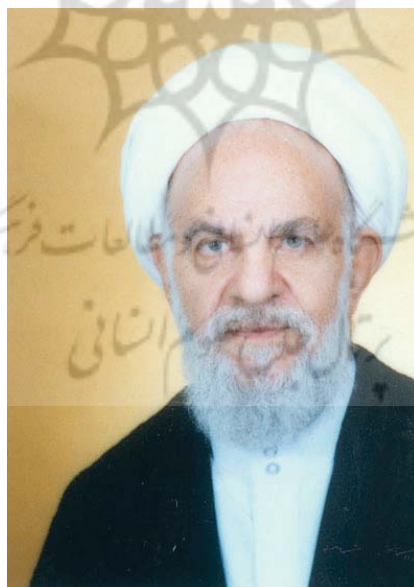
رونق برابر اصل است. یک آتش!



نگاهی کوتاه به فعالیت‌های مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز



دعوت از آیت‌الله فلسفی جهت سخنرانی



آخرین عکس مرحوم آیت‌الله سنابادی

پیام بهارستان / ۲۴، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

نگاهی کوتاه به فعالیتهای مدارس تعلیمات... / نورالدین حسین سنابادی عزیز



مراسم جشن تشریف یک بهایی به دین اسلام



آیتالله سنابادی در مراسم کلنگ‌زنی زائر سرا و کتابخانه امام صادق (ع) در مشهد

پیام بهارستان / ۲۰، س، ۴، ش، ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰